

نامزدی شمس و اشرف پهلوی

۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۱۴

تاج‌الملوک آیرملو و رضاخان یاور در سال ۱۲۹۶ هـ ش در تهران صاحب دختری شدند که او را خدیجه نامیدند. تولد این فرزند موجی از شادی در خانواده پدید آورد و به دنبال آن رضاخان که تا حدودی خرافاتی بود قدم او را خیر انگاشت. به ویژه که تمامی موفقیت‌های نظامی و سیاسی خود را پس از تولد او به دست آورد. به همین دلیل پس از رسیدن به سلطنت، دخترش را به شمس‌الملوک ملقب نمود.

به فاصله دو سال پس از تولد اولین فرزند، یعنی در چهارم آبان ۱۲۹۸ هـ ش، دو فرزند دیگر به فاصله پنج ساعت، اولی پسر و دومی دختر به دنیا آمدند که فرزند اول محمدرضا نام گرفت و فرزند دوم را زهرا نامیدند، که وی نیز پس از به قدرت رسیدن رضاشاه اشرف‌الملوک لقب گرفت.

ورود زهرا به خانواده، که دختری سیه چرده و ظریف بود، ذره ای از توجه و محبت رضاشاه را نسبت به شمس کم نکرد. شمس در سالهای بعد همواره مورد توجه پدر و مادر خود قرار داشت و دارای موقعیت ممتازی بود. موقعیتی که محمدرضا تنها به واسطه پسر بودن و ولیعهد بودن آن را داشت. شمس دارای ظرافت و نرمی بیشتری نسبت به اشرف بود و همین مسئله باعث موفقیت او در خانواده بود. مسئله دیگری که دو خواهر را از هم متمایز می‌ساخت این بود که شمس احساسات و عواطف قلبی خود را به راحتی بیان می‌نمود. گرمی روابط شمس با والدین باعث سردی روابط پدر و مادر با دیگر فرزندان خصوصاً اشرف بود.

اشرف خود در خاطراتش چنین می‌گوید:

من و خواهرم شمس وقتی بچه بودیم با هم زیاد سازگاری نداشتیم و شاید دلیلش این بود که با هم وجه مشترک زیادی نداشتیم. شمس مانند مادرم ریزنقش و ظریف بود و حالتی زنانه داشت و در نقش سنتی زنان که بیشتر پرداختن به امور خانه و زندگی زناشویی بود احساس راحتی می‌کرد. دوست داشت با صدها عروسکی که داشت بازی کند و پیوسته چشم انتظار روزی بود که شوهر کند و بچه‌دار شود. ۱

گرمی و توجه پدر و مادر نسبت به شمس در زندگی او نقش مهمی ایفا نمود و او را احساسی‌تر و عاطفی‌تر از دیگر فرزندان رضاشاه بار آورد. شمس دارای شخصیت متعادل‌تر و سرزنده‌تری نسبت به اشرف بود و به همان اندازه مستبدتر و زورگوتر.

دوران کودکی اشرف سراسر آشفتگی بود. اشرف که از همان ابتدای تولد مورد تمسخر و بی‌مهتری والدین قرار گرفت در بزرگسالی به تدریج به فردی ناآرام، سرکش و لجوج تبدیل شد. شدت علاقه اشرف به محمدرضا در او روحیه ای مردانه به وجود آورد و محبت‌های زیاد مادرش نسبت به شمس در او احساس تنفر از زن را به وجود آورد. احساسی که در سالهای بعد به شیفتگی قدرت تبدیل شد.

در سال ۱۳۱۷هـ ش رضاخان تصمیم گرفت دو دختر بزرگش شمس و اشرف ازدواج کنند. بنابراین در بین خانواده های بزرگ به جستجو پرداخت و در نهایت فریدون جم پسر محمود جم (مدیرالملک) که بعداً به درجه ارتشبدی رسید و علی قوام پسر ابراهیم قوام (قوام‌الملک شیرازی) انتخاب شدند. در ابتدا فریدون جم که فردی خوش تیپ و جذاب بود برای اشرف در نظر گرفته شده بود و علی قوام برای شمس. اما بعد از اولین ملاقات مشکلی به وجود آمد. شمس به ملاقات پدر رفت و با ترفندهای دخترانه از پدر درخواست نمود تا فریدون جم برای او در نظر گرفته شود و علی قوام نامزد اشرف گردد. پدر نیز که علاقه شدیدی به دختر بزرگ خود داشت و هرگز جواب رد به او نداده بود، این درخواست را به بهانه این که شمس بزرگتر است و حق انتخاب با اوست پذیرفت و نامزدها را عوض نمود. مخالفت‌ها و نارضایتی خواهر کوچک، اشرف نیز تأثیری در قضیه نداشت و تصمیم رضاشاه مبنی بر رضایت دختر بزرگش همچنان پابرجا بود و اشرف به ناچار بدین امر تن داد. ۲

شمس پهلوی در سال ۱۳۲۴ پس از متارکه با فریدون جم با عزت‌الله مین‌باشیان ازدواج کرد. مین‌باشیان بعداً نام خود را به مهرداد پهلبد تغییر داد.

اشرف نیز پس از متارکه با شوهر اول خود علی قوام با یک نفر مصری به نام احمد شفیق ازدواج کرد.

۱. اشرف پهلوی. من و برادرم، نشر علم، ۱۳۷۵. ص ۵۱.

۲. همان. ص ۷۶.

منبع: مقاله پروانه بابایی، سایت موسسه مطالعات تاریخ معاصر، بخش مقالات

